

# دانشگاه پیام نور

مرکز تهران

گروه الهیات و معارف اسلامی

## عنوان:

آثار و احکام فقهی روابط زن و مرد نامحرم

## پایان نامه:

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

## استاد راهنما:

دکتر عابدین مومنی

## استاد مشاور:

دکتر حسن مینی

## مؤلف:

ثریاحراتی بیرانوند

اصفند: ۱۳۸۷

# دانشگاه پیام نور

## تصویب نامه

پایان نامه تحت عنوان: آثار و احکام فقهی روابط زن و مرد نامحرم

که توسط تهیه و به هیات داوران ارائه گردیده است مورد تایید می باشد.

تاریخ دفاع: نمره: درجه ارزشیابی:

اعضای هیات داوران:

نام و ناو خانوادگی  
امضاء  
هیات داوران  
مرتبه علمی

۱- استاد راهنما

۲- استاد راهنمای همکار یا مشاور

۳- استاد ممتحن

۴- نماینده گروه آموزشی


(نمونه تصویب نامه پایان نامه)

**تقديم به:**

همسر ارجمند و صبورم که در به پایان رساندن این تحقیق زحمات بی شائبه ای را متحمل شدند و در این راه از هیچ تلاشی دریغ نورزیدند.

## سپاسگذاری

پروردگارا جز به فضل و احسان تو دل نبسته‌ام، هرچه کرده ام به لطف وجود و بخشش تو بوده است هر حسنی که در آن است از آن توست و هر کمی و کاستی برخواسته از ضعف و ناتوانی من. اینک به پاس توفیقی که تدوین در این پایان نامه بر من نمودی تو را سپاس می گویم.

صاحب مقام محمود فرمود: « وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ  »<sup>۱</sup> و شما بندگان هر نعمتی که دارید همه

از خداست. لیکن مومنان الهی مظاهر فضل خداوندند، لذا سپاس از آنان حمد ولی نعمتی است که در مقام فعل در کسوت آنان ظهور کرده است.

پس برخورد لازم می دانم که از راهنماییهای ارزنده اساتید ارجمند جناب آقای دکتر عابدین مؤمنی و جناب آقای دکتر حسن مبینی که در این راه یاریم فرمودند و همچنین از همسر فداکارم که پا به پای من در این راه تلاش نمودند، تشکر و قدر دانی کنم و از خداوند منان برای این عزیزان طلب مغفرت و آرزوی توفیق روز افزون داشته باشم.

نام خانوادگی دانشجو: هراتی بیرانوند	نام: ثریا
عنوان پایان نامه: آثار و احکام فقهی روابط زن و مرد نامحرم	
استاد: راهنما: دکتر عابدین مومنی	
استاد مشاور: دکتر حسن مبینی	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته: الهیات و معارف اسلامی گرایش: فقه و مبانی حقوق اسلامی	
دانشگاه: پیام نور مرکز تهران تاریخ فارغ التحصیلی: ۸۷/۱۲/۲۵ تعداد صفحه: _____	
کلید واژه ها: زن، مرد، جنس مخالف، ارتباط، اختلاط، نگاه، لمس، مکالمه، معاشرت و مصاحبت، پوشش	
چکیده:	
<p>امروزه به واسطه ی افزایش مناسبات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و در پی آن گسترش حضور زنان در عرصه ی جامعه مساله ی ارتباط سالم و صحیح میان زن و مرد به عنوان یکی از بارزترین دغدغه های متشرعین مطرح شده است.</p> <p>بر اساس فتوای بسیاری از فقها، اصل ارتباط و گفتگو و معاشرت و مصاحبت، سلام و احوال پرسى میان زن و مرد با رعایت موازین اسلامی ممنوعیتی ندارد. زن و مرد می توانند صدای همدیگر را بشنوند و صدای خود را به همدیگر بشنوانند. منعی که وجود دارد این است که اولاً زن نباید صدای خود را به گونه ای ترقیق و تحسین کند که مرد را به گناه بکشاند و ثانیاً این گفتگو به قصد التذاذ جنسی صورت گیرد.</p> <p>زن و مرد می توانند در مسائل مختلف دینی، علمی، سیاسی، اجتماعی و ... با هم بحث و گفتگو داشته باشند و از نظرات و اطلاعات همدیگر استفاده کنند. زن می تواند مدیریت یک موسسه ی علمی - تعلیمی، اقتصادی و ... را که مردان نیز در آن جا به کار اشتغال دارند، به عهده گیرد. همه ی این موارد و موارد مشابه آن، از دیده گاه فقهی هیچ گونه ممنوعیتی ندارد. آن چه از دیدگاه فقهی و شرعی مهم است، رعایت حریم، حفظ حجاب، پرهیز از نگاه های شهوت آلود، اختلاط ها و مصاحبت های نادرست و غیر مفید است.</p> <p>گسترش ارتباط بین نامحرمان باعث پیدایش هرج و مرج در کانون خانواده ها و عدم اعتماد زوجین به</p>	

همدیگر، گسترش روابط نامشروع که خود باعث افزایش فرزندان نامشروع و بی سرپرست شده و این موضوع سبب بالا رفتن آمار جرم و جنایت می شود. و نیز این روابط باعث اشاعه انواع بیماری و انحراف جوانان ساده و معصوم شده و جلوی تحصیل و اشتغال آنان را گرفته در نتیجه نیروی کار در جامعه افت کرده و سبب ضربه ی اقتصادی به جامعه می شود. و همچنین سبب سست شدن اعتقادات دینی جوانان شده و این باعث می شود که به قوانین و متعهدات خود پایبند نبوده و در جامعه هرج و مرج به وجود آورند. یکی از مهم ترین عواملی که باعث گسترش روابط نامحرمان می شود الگو دهی از طریق بازیگران سینما و تلویزیون است که تاثیر مستقیمی بر مخاطبان، مخصوصاً مخاطبان جوان خود دارد. و این الگو دهی باعث تأثیرات سوئی در جامعه می شود.

فهرست مطالب	صفحه
فصل اول : طرح تحقیق .....	۱۱
تبیین موضوع .....	أ
- سوال های موضوع .....	أ
- فرضیه ها .....	أ
روش تحقیق: .....	أ
هدف تحقیق: .....	ب
پیشینه موضوع: .....	ب
فصل دوم: کلیات .....	۱
مقدمه: .....	۲
شخصیت زن مسلمان .....	۳
محرم و نامحرم .....	۳
محارم از دیدگاه قرآن .....	۴
محارم نسبی .....	۵
محارم رضاعی .....	۶
فلسفه‌ی تحریم محارم رضاعی: .....	۶
محارم سببی .....	۷
منظور از تحریم گروههایی که در آیه از آنها یاد شده چیست؟ .....	۷
معانی رابطه .....	۹
رابطه سیاسی .....	۹
روابط اجتماعی .....	۱۰
مسئولیت اجتماعی زنان همراه با تقدم مسئولیت خانوادگی: .....	۱۰

۱۱	روابط فرهنگی
۱۲	رابطه هنری
۱۳	رابطه شغلی
۳	فصل سوم
۱۶	احکام فقهی روابط بین زن و مرد نامحرم
۲۲	الف: لذت
۲۳	ب: ریه:.....
۲۴	ادله حرمت ریه
۲۵	نگاه خیره به نامحرم
۲۶	موارد جواز نگاه مرد به زن
۲۶	۱- زنان محارم
۲۶	نظر مذاهب خمسسه در نگاه به محارم
۲۶	۲- موارد ضرورت و حاجت
۲۷	۳- زنان بازنشسته از ازدواج
۲۷	۴- زنان نامسلمان
۲۸	۵- زنان بادیه نشین
۲۹	۶- زنان بی بند و بار
۳۰	۷- جواز نگاه هنگام خواستگاری و حدود آن
۳۲	۸- زنان نابالغ و غیر عاقل
۳۳	نگاه زن به مرد
۳۶	مذاهب خمسسه و نگاه انسان به خودش
۳۶	نظر مراجع تقلید در نگاه به نامحرم
۳۹	نظر مذاهب خمسسه در مکالمه و گفتگو بین زن و مرد نامحرم
۴۲	گفتگو و مکالمه زن و مرد در فیلمها



اختلاط بین نامحرمان.....	۴۵
نظر مراجع درباره ی اختلاط بین نامحرمان.....	۴۷
لمس و تماس بدن و نظر مذاهب خمسہ.....	۴۹
نظر مذاهب خمسہ در ملازمہ ی بین نگاه و لمس.....	۵۱
نظر مراجع تقلید در لمس و تماس با نامحرم.....	۵۲
پوشش در فیلم‌ها و روابط فامیلی.....	۵۴
قرآن و مسأله حجاب:.....	۵۵
فلسفہ حجاب.....	۶۲
فلسفہ حجاب چند مکتوم و پنهانی نیست زیرا:.....	۶۳
چرا چادر حجاب برتر است؟.....	۶۶
خرده گیریهای مخالفان حجاب.....	۶۷
حجاب دختران از چه سالی لازم است؟.....	۶۹
فصل چهارم.....	۱۹
آثار روابط گستردہ ی زن و مرد نامحرم.....	۷۲
اثرات وضعی نگاه به نامحرم.....	۷۴
آثار نگاه مسموم.....	۷۵
آثار و عواقب روابط دختر و پسر نامحرم.....	۷۷
۱- ایجاد جو بدبینی نسبت به یکدیگر.....	۷۷
۲- افت تحصیلی در مدرسه و دانشگاه.....	۷۷
۳- ترویج فرهنگ بی بند و باری غرب.....	۷۸
۴- دلسرد شدن نسبت به تشکیل خانواده.....	۷۸
۵- تاخیر در ازدواج اینگونه جوانان.....	۷۹
۶- ازدست دادن سرمایہ زندگی و ذلیل شدن.....	۷۹
حدود روابط دختر و پسر.....	۷۹

۹۲	..... فصل پنجم
۸۲	..... استنتاج
۸۴	..... پیشنهادات:
۸۵	..... مؤاخذ
۸۹	..... Summary

# فصل اول

## طرح تحقیق

## تبیین موضوع

رابطه واژه ای عربی است به معنای تماس، اتصال، پیوستگی و وصل شدن و در اصطلاح به مجموعه رفتارهایی اطلاق می شود که در تماس با یکدیگر به نحو کلامی، دیداری، شنیداری و تماس بدنی ابراز می کنیم.

## - سوال های موضوع

- ۱- منظور از محرم و نامحرم چیست؟
- ۲- روابط زن و مرد نامحرم چه معنایی دارد؟
- ۳- انواع روابط ممکن میان زن و مرد چیست؟
- ۴- حکم شرعی روابط زن و مرد در انواع مختلف آن چیست؟
- ۵- آثار روابط زن و مرد نامحرم چیست؟

## - فرضیه ها

- ۱- محرم کسی است که نکاح با او حرام ابدی و ذاتی است ولی نامحرم کسی است که ازدواج با او حرام نمی باشد.
- ۲- منظور از روابط نوعی تماس بین زن و مرد به نحو کلامی، دیداری، لمس یا شنیداری می باشد که باعث پیوستگی بین افراد می شود.
- ۳- روابط دارای انواعی چون روابط شغلی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، هنری، فامیلی و درمانی می باشد.
- ۴- روابط بین زن و مرد نامحرم با رعایت حدودی چون حفظ حجاب و نازک نکردن صدا، کوتاه کردن نگاه و دوری از تماس بدنی جایز و حلال می باشد.
- ۵- الگو گرفتن افراد جامعه از ارتباط در فیلمها و به وجود آمدن زمینه ی گناه در ارتباطات گسترده ی بین زن و مرد نامحرم.

## روش تحقیق:

مجموعه شناخت هایی که به زندگی و روابط اجتماعی انسان ها مربوط می شود. در قلمرو علوم اجتماعی قرار می گیرند و با توجه به اینکه مبحث مورد نظر در محدوده ی سلسله مباحث اخلاقی، فقهی است به جرأت

می‌توان گفت که موضوع انتخابی از شاخه‌های علوم اجتماعی است. و روش تحقیق در علوم اجتماعی نیز روش علمی است. با این توضیح بنده نیز پس از طرح یک سری فرضیه به مطالعه، جمع آوری و پردازش و تجزیه و تحلیل رئوس آنها پرداختم. برای این منظور به کتابخانه دار الحدیث و نیز پژوهشکده باقر العلوم قم و کتابخانه خاتم النبیین قزوین و کتابخانه‌ی صاحب الزمان (عج) و کتابخانه‌ی حوزه علمیه امام صادق علیه‌السلام در بوئین زهرا، مراجعه و سپس همه‌ی مطالب جمع آوری شده را طبق برنامه‌ای منظم و منسجم طبقه بندی نمودم.

### هدف تحقیق:

توسعه‌ی شهرنشینی و گسترش مناسبات اجتماعی و اقتصادی، باعث شده است که امروزه زنان در تمام عرصه‌های جامعه حضور داشته باشند و این امر منجر به ارتباط آنان با مردان نامحرم شده است. از این رو این مسئله یکی از مسائل بسیار مهم و مورد اب‌تلاست که باید دیدگاه‌های اسلام را در مورد آن بیان کرد. لذا این حقیر بر خود لازم دانستم که با بررسی، پیرامون کتب فقهی و حدیثی و نیز با مراجعه به نظر مراجع تقلید، زوایای مختلف آن را بیان کنم. امیدوارم که مورد پسند خوانندگان محترم قرار گیرد.

### پیشینه موضوع:

ارتباط بین زن و مرد پیشینه‌ای به درازای تاریخ دارد و اختصاص به اسلام ندارد. از زمان خلقت زن و مرد، ارتباط آنان نیز شروع و در بعضی از زمانها به  $\pm$ ست ترین درجات خود نیز رسیده است؛ ولی هر بار خداوند متعال با ارسال پیامبری جلوی ارتباط بی بند و بار زن و مرد را گرفته، تا اینکه اسلام ناب محمدی در جزیره العرب ظهور کرده و با تعیین حدود روابط بین زن و مرد و نیز با ارزش دادن به زن و بالا بردن مقام او، ارتباط بین آنها را محدود به حدود اسلامی و دینی کرده است.

# فصل دوم

## کلیات

## مقدمه:

انسان موجودی اجتماعی است و با زندگی فردی به تأمین نیازهای خویش قادر نیست، لذا چاره‌ای جز زندگی اجتماعی ندارد، نیازهایی که بشر را به زندگی اجتماعی وا می‌دارد، تنها نیازهای مادی و اقتصادی نیست؛ بلکه نیازهای روحی - روانی و فکری نیز نقش عظیمی دارند؛ حتی از یک نگاه نقش این عوامل، کمتر از عامل اقتصادی و مادی نیست. به عنوان نمونه، یکی از نیازهای بشر، نیاز علمی است. میل به دانش و آگاهی، یکی از امیال فطری بشر است. شکوفایی، ارضا و بالندگی میل علمی بشر، تنها در سایه‌ی زندگی اجتماعی، روابط با دیگران و در گروه تعلیم و تربیت است. یکی دیگر از امیال فطری و روحی بشر میل به داشتن دوست و یار صمیمی است. انسان به طور فطری دوست دارد که در سایه‌ی روابط با دیگران، خود را از تنهایی و بی کسی رها سازد، به ویژه در مواقع درد و رنج و نگرانی، خواهان کسی است که با او درد دل کند تا التیام بخش دردهایش باشد.

بنابراین عوامل مختلف مادی و روحی، انسان را به سمت و سوی زندگی اجتماعی سوق می‌دهد. در زندگی اجتماعی به صورت طبیعی روابطی شکل می‌گیرد مانند رابطی همسایه با همسایه، دانش آموز با معلم، دانشجو با استاد، دولت با ملت، طبیعی است که این گونه روابط اجتماعی، همیشه میان هم جنس (زن با زن، مرد با مرد) اتفاق نمی‌افتد. در بسیاری از این موارد، رابطه‌ی دو جنس مخالف (زن و مرد) نیز حتمی و فهوری است. به طور قطع رابطه‌ی دو جنس مخالف را در دایره‌ی محارم با یکدیگر نیز، نمی‌توان منحصر دانست؛ زیرا انواع روابط میان دو جنس مخالف در میان اقوام و خویشاوندان، رفت و آمدهای فامیلی و نیز در سطح جامعه صورت می‌گیرد.

توسعه‌ی شهرنشینی و گسترش مناسبات اجتماعی و اقتصادی موجب شده است که امروزه بر خلاف گذشته، زن در عرصه‌ی جامعه، حضور گسترده‌ای داشته باشد و به طور طبیعی، این حضور در کلیه‌ی اماکن عمومی و خصوصی، نظیر کلاس درس و محل کار مشهود است و صرفاً محدود به داشتن رابطه با محارم نمی‌شود. از این رو مسأله‌ی ارتباط زن و مرد از مسائل مهم و مورد ابتلاست که باید دیدگاه اسلام در این زمینه روشن شود. با عنایت به اینکه، اسلام دین جامع، جهانی و پاسخگوی نیازهاست و در آموزه‌های خود از مقتضیات زمانه نیز غافل نیست. به طور حتمی، دیدگاه واقع بینانه و منصفانه‌ای در این موضوع، مانده همه‌ی موضوعات دیگر دارد که برای نسل امروز در عین این که سعادت آفرین است، راهگشا و هدایتگر نیز می‌باشد.

## شخصیت زن مسلمان

اسلام به محض ظهور در جزیره‌العرب زنان را سرافراز و سربلند کرد. در آن زمان که شخصیت زن را به پایین‌ترین حدّ خود تنزل داده بودند؛ در چنین محیط فاسد و وحشتزایی، پیامبر بزرگ اسلام دست زن را گرفت و او را از منجالب عادات جاهلیت نجات بخشید. احترامات بی حدّ او به حضرت فاطمه‌الزهرا(سلام‌الله) نشان داد که زن، بزرگی ویژه‌ای در جامعه دارد. زن اساس جامعه و عامل تعیین کننده در فرهنگ آن به حساب می‌آید، علی‌هذا تربیت و هدایت آنان از اساس قرآن مجید است، بدین جهت بخش مهمی از آیات قرآن به زنان و حکایات سرگذشت آنان اختصاص دارد، تا به آن طریق نسلهای مختلف را متوجه ارزش آنان نموده و زنان معاصر را برای بهره‌گیری از این آیات ترغیب نماید. خداوند در آیه‌ی یازده سوره‌ی مبارکه تحریم، آسیه همسر فرعون را، برای کسانی که ایمان آورده‌اند مثال می‌زند و می‌فرماید: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْا قَالَتْ رَبِّ اِنَّ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِى الْجَنَّةِ وَنَجَّيْتَنِي مِّنْ فِرْعَوْنَ» در آن زمان که فرعون برای بازگرداندن آسیه از ایمان به آیین موسی، وی را زیر شکنجه گرفته بود و از خدای می‌خواست که او را از اهل بهشت قرار داده، و از عذاب و شکنجه‌ی فرعون و ستمگران دیگر نجات دهد.

اگر کسی شخصیت سیاسی، دنیوی و اجتماعی «آسیه» را در ذهن خویش تصور کند، و بداند که او همسر کسی بود. که ادعای خدایی داشت و تمام زرق و برق‌های مصر پهناور در اختیار او بود و متوجه می‌شود که وی چگونه خود را در برابر آن همه عوامل مادی نباخت و با این وضع، وی از نظر ایمان کسی شد که خانه‌ی او پناه مستمندان و مؤمنین بود! و با اخلاص تمام در نهان به بندگی خدا می‌پرداخت، و از زنان ممتاز جهان به شمار می‌آمد.

زن مسلمان مبدأ همه‌ی سعادت‌ها می‌باشد و از دامن او مرحله‌ی اول مرد وزن صحیح، پیدا می‌شود. زن انسان‌پرور و آموزگار جامعه است. او یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان جامعه به استقامت و ارزش‌های والای انسانی کشیده شود. پس زنان مسلمان بدانند که اسلام برای آنها چیزی جز سعادت دنیا و آخرت نمی‌خواهد.

## محرم و نامحرم

در معجم جعفری محرم اینگونه تعریف شده است که:

والمحرم: هو ذ و محرم منها، إذا لم یحل له نکاحها. من یحرم الزواج منه.

محرم: زن صاحب حرمتی است که ازدواج با او برای مرد حلال نیست یا کسی می‌باشد که ازدواج با او حرام است.



اصطلاحاً: من یحرم نکاحه مؤبداً رجلاً أو امراه لرحم (نسب قرابه) أوزضاع أو مصاحره.

محرم در اصطلاح: کسی است که نکاح با او حرام ابدی می‌باشد مرد باشد یا زن به خاطر نسبت نزدیکی یا رضاع یا مصاحره<sup>۱</sup>.

در معجم فقها نیز محرم را به معنی کسی که نکاح با او حرام ابدی باشد، آورده است<sup>۲</sup>.

المنجد محارم را نهی کرده‌های خدا معنی کرده و نومحرم را به معنی کسی که ازدواج با او جایز نباشد آورده است. و نیز محرم را به معنی ناشایست و محارم را ناشایست‌ها و حرام‌ها گرفته است<sup>۳</sup>.

و نامحرم به معنی بیگانه و زنی که محرم مرد نیست یا مردی که محرم زن نیست، می‌باشد.

به طور کلی معیار تشخیص افراد محرم از نامحرم، امکان ازدواج با آنهاست و ازدواج با آنها نیز باید حرام ذاتی باشد نه عارضی چون بعضی از زنان با اینکه محرم مرد نمی‌باشند ولی ازدواج با آنها نیز حرام می‌باشد اما حرمت آن ذاتی نیست، بلکه به سبب عوارضی چون احرام در حج و یا ازدواج با خواهر زن که حرمت آن موقتی و تا زمانی که خواهر او همسر مرد باشد ادامه دارد.

## محارم از دیدگاه قرآن

محرم کسی است که در نگاه به او، محدودیتی که نسبت به سایر افراد هست نمی‌باشد و ازدواج با او

نیز حرام است. این آیه شریفه قرآن محارم را به هفت گروه تقسیم کرده که آنها را بیان خواهیم کرد.

« حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمْ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرِّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّائِي فِي حُجُورِكُمْ مِّنْ نِّسَائِكُمُ اللَّائِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِن لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا<sup>۴</sup> »

[نکاح اینان] بر شما حرام شده است مادرانتان و دخترانتان و خواهرانتان و عمه‌هایتان و خاله‌هایتان و دختران برادر و دختران خواهر و مادرهایتان که به شما شیر داده‌اند و خواهران رضاعی شما و مادران زنانتان و دختران همسرانتان که [آن دختران] در دامان شما پرورش یافته‌اند و با آن همسران همبستر شده‌اید

<sup>۱</sup> - أحمد، فتح الله، معجم الفاظ الفقه الجعفری، ص ۴۷۳.

<sup>۲</sup> - قلنجی، محمد، معجم الفقهاء، ص ۲۱۰.

<sup>۳</sup> - بندر ریگی، محمد، فرهنگ المنجد، ج ۱، باب ح، ص ۳۴۸.

<sup>۴</sup> - سوره مبارکه نساء (۴)، آیه ۲۳.

پس اگر با آنها همبستر نشده‌اید بر شما گناهی نیست [که با دخترانشان ازدواج کنید] و زنان پسرانتان که از پشت‌خودتان هستند و جمع دو خواهر با همدیگر مگر آنچه که در گذشته رخ داده باشد که خداوند آمرزنده مهربان است.

بر اساس آیه شریفه فوق محرمیت از سه راه ممکن است ایجاد شود:

۱- ولادت که از آن تعبیر به «ارتباط نسبی» می‌شود.

۲- از طریق شیرخوارگی که به آن «ارتباط رضاعی» گفته می‌شود.

۳- از طریق ازدواج که به آن «ارتباط سببی» می‌گویند.<sup>۱</sup>

### محارم نسبی

نخست اشاره به محارم نسبی که هفت دسته هستند کرده و می‌فرماید:

۱. مادران چه بلاواسطه و چه با واسطه مانند جدات پدري و مادری «حُرْمَتُ عَلَیْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ».

۲. دختران چه بلاواسطه و چه با واسطه مانند نوه و نتیجه «وَبَنَاتُكُمْ» و دختر پسر هر چه پایین رود.

۳. خواهران و فرزندان آنها «وَأَخْوَاتُكُمْ».

۴. عمه‌ها «وَعَمَّاتُكُمْ».

۵. خاله‌ها «وَخَالَاتُكُمْ».

۶. دختران برادر هر چه تنزل پیدا کنند مانند فرزند و نوه و نتیجه‌ی آنان «وَبَنَاتُ الْأَخِ».

۷. دختران خواهر هر چه تنزل پیدا کنند مانند فرزند و نوه و نتیجه‌ی آنان «وَبَنَاتُ الْأُخْتِ».

ضابطه کلی محارم نسبی این است که تمامی نزدیکان انسان، به جز فرزندان عمو و عمه و فرزندان خاله و

دایی با وی محرم هستند.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۶۴.

<sup>۲</sup> - قربانی لاهیجی، زین العابدین، تفسیر جامع آیات الاحکام، نکاح و طلاق، ص ۱۰۴.

<sup>۳</sup> - دادمرزی، سید مهدی فقه استدلالی، ترجمه تحریرالروضه فی شرح اللمعه، ص ۴۵۵.

ناگفته پیداست که همه‌ی افراد طبعاً از این گونه ازدواجها تنفر دارند و به همین دلیل همه‌ی اقوام و ملل (جز افراد کمی) ازدواج با محارم را ممنوع می‌دانند و حتی مجوسی‌ها که در منابع اصلی خود قایل به جواز این گونه ازدواجها بوده‌اند، امروز آن را انکار می‌کنند.<sup>۱</sup>

و امروز نیز این حقیقت ثابت شده که ازدواج افراد همخون با یکدیگر خطرات فراوانی دارد و بیماری‌های نهفته و ارثی را آشکار و تشدید می‌کند (نه این که خود آن تولید بیماری می‌کند) حتی بعضی، گذشته از محارم، ازدواج با اقوام نسبتاً دورتر مانند عموزاده‌ها را خوب نمی‌دانند و معتقدند خطرات بیماری‌های ارثی را تشدید می‌کنند.<sup>۲</sup>

### محارم رضاعی

سپس به محارم رضاعی اشاره کرده و می‌فرماید: «و مادرانی که شما را شیر می‌دهند و خواهران رضاعی بر شما حرامند» «وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ». با توجه به حدیث معروف پیامبر اکرم (صلی الله و علیه وآله وسلم) که فرمود: «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ»؛ تمام کسانی که از نظر نسبی حرامند از نظر شیرخوارگی نیز حرام می‌شوند.<sup>۳</sup>

البته مقدار شیرخوارگی و پنج شرطی که باعث محرمیت می‌شوند باید وجود داشته باشند و گرنه تأثیری بر محرمیت نمی‌گذارد.

### فلسفه‌ی تحریم محارم رضاعی:

این است که با پرورش گوشت و استخوان آنها با شیر شخص معینی شباهت به فرزندان او پیدا می‌کند، مثلاً زنی که کودکی را به اندازه‌ای شیر می‌دهد که بدن او با آن شیر نمو مخصوصی می‌کند یک نوع شباهت در میان آن کودک و سایر فرزندان آن زن پیدا می‌شود و در حقیقت هر کدام جزئی از بدن آن مادر

<sup>۱</sup> - مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۶۴.

<sup>۲</sup> - همان منبع، ج ۳، ص ۳۶۴.

<sup>۳</sup> - مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۶۴.

محسوب می‌گردند و همانند دو برادر نسبی هستند<sup>۱</sup>.

## محارم سببی

در آخرین مرحله آیه به دسته‌ی سوم از محارم که به جهت ازدواج (مصاهرت و سبب) حرام گردیده اند اشاره کرده و آنها را تحت چند عنوان بیان می‌کند.

۱. مادر زن‌ها چه بلاواسطه و چه با واسطه (مانند مادر او و مادر مادر او) «وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ».

۲. دختران همسرانتان به شرط اینکه با آن همسر آمیزش جنسی کرده باشد «وَرَبَائِكُمُ اللَّائِي فِي

حُجُورِكُمْ مِّنْ نِّسَائِكُمُ اللَّائِي دَخَلْتُم بِهِنَّ». و اگر با آن همسر آمیزش جنسی نداشته‌اید دخترانش بر شما

حرام نیستند.

۳. همسران پسرانی که از شما به وجود آمده‌اند و از نسل شما هستند. «وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ

أَصْلَابِكُمْ».

در زمان جاهلیت جمع میان دو خواهر رایج بود قرآن بعد از جمله‌ی فوق می‌گوید: مگر آنچه در گذشته

واقع شده «إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ»<sup>۲</sup>. علاوه بر چهار گروهی که به سبب ازدواج محرم می‌شدند گروهی از مردان نیز

بر بانوان محرم می‌شوند از جمله: شوهر و پدر شوهر و پدربزرگ شوهر و شوهر دختر (داماد). اما شوهر

خواهر و برادر شوهر محرم نیستند<sup>۳</sup>.

## منظور از تحریم گروههایی که در آیه از آنها یاد شده چیست؟

از آنجا که حرمت و حرمت مربوط به افعال مکلفین است، از این رو لازم است حرمت گروههای یاد

شده را به ازدواج با آنها حمل کرد چرا که این معنی مناسب‌ترین فرض ممکن است همانگونه که در «حُرْمَتُ

عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالِدَمُّ وَ لَحْمُ الْخِنْزِيرِ» به خوردن آن حمل شده است بخصوص که آیه‌ی قبل و بعد آن، مربوط به

<sup>۱</sup> - همان منبع، ج ۳، ص ۳۶۵.

<sup>۲</sup> - قربانی لاهیجی، زین العابدین، تفسیر جامع آیات الاحکام، نکاح و طلاق صص ۱۰۴ و ۱۰۵.

<sup>۳</sup> - حضرت امام (ره) تحریر الوسیله ج ۳، ص ۴۹۵.